

نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در توسعه جامعه مدنی ایران

هادی خانیکی^۱، یوسف خجیر^۲

چکیده

این پژوهش به شناسایی نقش مثبت و منفی شبکه‌های اجتماعی مجازی در توسعه جامعه مدنی ایران و میزان استفاده از هریک از آنها بین فعالان مدنی شهر تهران پرداخته است و از نوع آمیخته کیفی و کمی است و روش آن، مصاحبه عمیق و پیمایش بوده است. جامعه آماری در بخش کیفی، صاحب‌نظران دانشگاهی و فعالان مدنی و حزبی بودند که از بین آنها ۲۵ نفر با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در بخش کمی نیز جامعه آماری، فعالان مدنی شهر تهران بودند که از بین آنها ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. مصاحبه‌ها با کمک تحلیل مضمون در نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۱۰ و پرسشنامه‌ها در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲، پردازش شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مصاحبه‌شوندگان برای نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در توسعه جامعه مدنی ایران ۱۲ کارکرد ارتباطی، خبری، تبلیغی، آموزشی، بسیج‌سازی، کمپین‌سازی، جایگزینی رسانه رسمی، تقویت قدرت اجتماعی نهادها، شفاف‌سازی، جریان‌سازی، شبکه‌سازی و سنجش افکار عمومی تعیین کردند، و همچنین ۱۰ کژکارکرد اخبار نادرست و شایعه، سرریزی اطلاعات، انبوه خلق مجازی، حباب‌گفت‌وگو، سلبریتی‌سازی، وجود همبستگی کاذب، درگیری در فضای مجازی و دور شدن از فعالیت مدنی واقعی، تخریب حریم خصوصی فعالان مدنی، غلبه مشارکت مجازی و ابزار ارائه و خودنمایی تعیین کردند. از بین این موارد، فعالان مدنی بیشترین کارکرد شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها را بین فعالان مدنی شهر تهران کارکرد ارتباطی، خبری و آموزشی و کمترین کارکرد را سنجش افکار عمومی، شفاف‌سازی و شبکه‌سازی و بیشترین کژکارکردی را اخبار نادرست و شایعه، سرریزی اطلاعات و حباب‌گفت‌وگو و کمترین کژکارکردی را خودنمایی در فضای مجازی و سلبریتی‌سازی مطرح کردند.

واژه‌های کلیدی

شبکه‌های اجتماعی مجازی، کارکرد، کژکارکرد، جامعه مدنی، فعال مدنی

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۲

این مقاله مستخرج از رساله دکتری در رشته ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی است.

۱. استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

hadi.khaniki@gmail.com

khojir@gmail.com

۱. بیان مسئله

در کمتر از یک دهه اخیر تاکنون، شبکه‌های اجتماعی مجازی^۱ با ارائه طیف بسیار وسیعی از امکانات و خدمات، جامعه جهانی را در حوزه‌های گوناگون دچار تحول کرده‌اند. این فناوری‌های نوظهور با ایجاد فرصت دسترسی آسان به حجم زیادی از اطلاعات، امکان برقراری ارتباط سریع همزمان، فرصت‌های برابر برای ارسال و دریافت پیام و ایجاد بستر فعالیت‌های شغلی، آموزشی، سرگرمی و ... برای کاربرانی که تعدادشان دائماً رو به افزایش است، توانسته‌اند جای خود را در زندگی افراد باز کنند و به دنبال آن زندگی آنها را دچار تحول سازند. «در عصر جدید، اینترنت و شبکه‌های مجازی با نوآوری‌ها و بدعت‌هایی بی‌بدیل، نظام ارتباطات اجتماعی و متعاقب آن جامعه را با تغییر و تحولات بسیاری روبرو ساخته است» (Mesch, ۲۰۱۵: ۴۵). توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، افزایش ضریب نفوذ اینترنت، بهره‌گیری از امکانات وب^۲، ایجاد ارتباطات تعاملی و شبکه‌ای منجر به شکل‌گیری نوع جدیدی از روابط اجتماعی تحت یک ساختار اجتماعی جدید شده است؛ این جامعه جدید «جامعه شبکه‌ای^۳» نام گرفت. «این جامعه به مدد شبکه‌های اجتماعی باعث تحولات جدیدی در حوزه اجتماعی و فرهنگی جامعه شده است» (Castells, ۲۰۰۴: ۳۴). یکی از این حوزه‌های اجتماعی که شبکه‌های اجتماعی مجازی، ممکن است در توسعه یا تضعیف آن نقشی داشته باشد، جامعه مدنی^۳ است. جامعه مدنی مجموعه‌ای از نهادهای فعال و تشکل‌های صنفی، اجتماعی و سیاسی قانونمند و مستقل است، که منعکس‌کننده دیدگاه‌های افراد جامعه به نظام سیاسی حاکم و واسطه بین دولت و مردم است. این نهادها ضامن نهادینه شدن آزادی و بسط مشارکت مردمی هستند، که در مهار قدرت خودکامه نقش اساسی را ایفاء می‌کنند. در این بین رسانه‌ها نقش اساسی در ایجاد جامعه مدنی دارند (خانیک: ۱۳۸۱). از ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی ایجاد زمینه مشارکت مدنی، حضور فعال مردم و نهادهای مدنی و گفت‌وگو بین آنهاست. آنها می‌توانند فاصله بین رأس [دولت] و قاعده هرم [مردم] را کم کنند (Kietzmann & et al, ۲۰۱۱: ۲۴۳). شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یک جامعه باز رسانه‌ای با ویژگی انتشار آزاد اطلاعات، باز بودن فضای گفت‌وگو، انتقاد از حاکمیت، افشاگری و انعکاس مسائل مدنی شهروندان می‌تواند مقدمه‌ای برای شکل‌گیری و تقویت جامعه مدنی باشد. این شبکه‌ها ممکن است اساسی‌ترین زمینه‌های تحقق جامعه

1. Virtual Social Network
2. Network Society
3. Civil Society

مدنی، بسط و توسعه دموکراسی و مردم‌سالاری در جامعه را بین مردم ایجاد کنند. با توجه به ویژگی ذاتی شبکه‌ها می‌توان این ادعا را داشت که این رسانه‌های نوظهور می‌توانند در ایجاد و بسط جامعه مدنی نقش ویژه‌ای داشته باشند، حال اینکه آیا در کشور ما این رسانه‌ها این توانایی را دارند یا در تحقق آن نقش مثبت یا منفی ایفا می‌کنند، خود پرسش مجزایی است. پس با توجه به مباحث مطرح شده، پرسش اصلی این پژوهش این است که نقش شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان تلفن همراه بر توسعه جامعه مدنی در ایران چیست؟ در راستای این پرسش اصلی؛ پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤالات است که کارکردها و کژکارکردی‌های شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان تلفن همراه برای جامعه مدنی ایران چیست؟ فعالان مدنی شهر تهران از هریک از این کارکردهای شبکه‌های اجتماعی در فعالیت مدنی خود چقدر استفاده می‌کنند؟ و چقدر از این کژکارکردی‌ها را در فعالیت مدنی خود تجربه کرده‌اند؟

۲. مبانی نظری

الف) شبکه اجتماعی مجازی

شبکه‌های اجتماعی مجازی، گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی هستند که بیشترین شباهت را به جامعه انسانی دارند، و به فرد امکان برقراری ارتباط با شمار فراوانی از افراد را می‌دهند (Kraut & et al, ۲۰۰۱: ۳۲). در خصوص تعریف این مفهوم توافق نظری وجود ندارد. برای همین در ادبیات علمی برای این فناوری‌های مبتنی بر وب ۲، واژه‌ها و تعاریف گوناگونی همچون «شبکه اجتماعی، جامعه آنلاین، اجتماع مجازی، شبکه اجتماعی دیجیتال یا حتی سایت شبکه اجتماعی وجود دارد که اغلب مترادف هم هستند» (Heidman, ۲۰۱۲: ۲)، اما با بررسی‌های تعاریفی که در این زمینه شده است می‌توان بیان داشت که شبکه اجتماعی مجازی یک برنامه کاربردی آنلاین (بخشی از رسانه‌های اجتماعی) و محصول وب ۲ (وب تعاملی) است، که علاوه بر سه ویژگی ساختاری، تولید، مبادله و عرضه وب ۱ دارای ویژگی تعاملی و کنشگری فعالانه کاربر بر اساس وب ۲ است. پروفایل‌سازی و ایجاد صفحه شخصی، ایجاد فهرست دوستان و عضوگیری، ایجاد گروه و حلقه‌سازی و پسند کردن و یادداشت از جمله ابزارهای اصلی و جذاب این شبکه‌هاست. این امکانات پایه تعامل را ایجاد می‌کنند. در درون این صفحات کاربر با توجه به امکانات متعددی که دارد به عضوگیری، تولید محتوا و انتشار آن می‌پردازد. شبکه‌های اجتماعی از نظر ساختاری دارای قابلیت‌هایی چون چندسویگی به جای دوسویگی، نمایش تولید محتوا، اشتراک گذاشتن پیام، مشارکت در پیام‌کاربران دیگر، تشکیل کلوب‌های پیام و تصویر و به رأی گذاشتن پیام هستند (Obar & Wildman,

۲۰۱۵). پس در مجموع می‌توان بیان داشت که شبکه اجتماعی مجازی فضای آنلاین مبتنی بر وبسایت یا وبسایت‌هایی از نسل وب ۲ هستند که با استفاده از یک موتور جست‌وجوگر و افزودن امکاناتی مانند چت، ایمیل، انتقال متن، صدا، تصویر، ویدئو به کاربران خود امکان ساخت پروفایل، فهرستی از مخاطبان، حلقه دوستیابی برای برقراری ارتباط در قالب شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی، یا اشتراک‌گذاری علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را می‌دهد. به عبارت دیگر آنها ساختارهای اجتماعی جهت ایجاد، گسترش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی هستند.

ب) جامعه مدنی در اندیشه صاحب‌نظران

به لحاظ نظری رویکردهای متعددی به جامعه مدنی وجود دارد، به همین دلیل تعاریف متعددی هم از آن ارائه شده است. برخی با رویکرد ارسطویی، آن را تقابل بین دولت و خانواده می‌دانند. برخی مانند آدام فرگوسن و آدام اسمیت، به عنوان جامعه متمدن در برابر جامعه بدوی و ابتدایی می‌دانند. برخی به مفهوم هگلی، به شکل اولیه دولت و رابطه آن با شهروند تأکید دارند (پلامناتز، ۱۳۷۱)، مارکسیست‌ها به تبعیت از مارکس و انگلس، آن را مفهومی از حوزه روابط مادی - اقتصادی و علایق طبقاتی - اجتماعی در مقابل دولت و مترادف جامعه بورژوازی می‌دانند که در حال فروپاشی است، و برخی با نگاه آنتونیو گرامشی، جامعه مدنی را به عنوان جزئی از روبنا و مرکز تشکیل قدرت ایدئولوژیک یا هژمونی طبقه حاکمه معرفی می‌کنند (شارپ و هلوی، ۱۳۸۶). مفهوم نظری جامعه مدنی در اندیشه‌های چپ‌گراهایی چون مارکس و انگلس تحول مفهومی پیدا کرد تا اینکه الکسی دو توکویل^۱ این مفهوم را در قالب یک رویکرد دموکراتیک احیا کرد (دوتوکویل به نقل از عطار، ۱۳۸۸: ۱۳۱). هابرماس از دیگر اندیشمندان متأخری است که با طرح مفهوم حوزه عمومی، در پیشبرد مفهوم جامعه مدنی کمک فراوانی کرده است. وی مرزهای جامعه مدنی را شامل همه فعالیت‌های جمعی غیرخسونت‌آمیز می‌داند که بین شهروندان و دولت ایجاد می‌شود. از این‌رو جامعه مدنی حوزه مستقل، خودمختار و عمومی است که در قالبی دموکراتیک ظهور می‌یابد، و اقدامات غیرعادلانه دولت را به نقد می‌کشاند، و حقوق افراد را در مقابل تهدیدات دولت حفظ می‌کند و مانع برقراری دیکتاتوری و استبداد در جامعه می‌شود (شویدلر، ۱۳۷۹: ۲۴). فارغ از بحث نظری، به لحاظ کاربردی، جامعه مدنی یکی از گونه‌های توسعه‌یافته جامعه بشری است که در آن رابطه بین دولت و شهروندان کاملاً مشخص است و بر اساس یک رویه قانونی

1. Alexis Charles-Henri-Maurice Clérel de Tocqueville

بنا شده است. در این جامعه فضای عمومی و نهادهای بین مردم و دولت و رابطه قانونمند این دو یک اصل است. در چنین جامعه‌ای قانون‌مداری حاکم، حقوق و تکالیف حاکمان و شهروندان مشخص و زمینه‌های مشارکت اجتماعی و سیاسی افراد مهیاست. در مجموع جامعه مدنی «مجموعه‌ای از نهادهای فعال و تشکل‌های صنفی، اجتماعی و سیاسی قانونمند و مستقل است، که منعکس‌کننده دیدگاه‌های افراد جامعه به نظام سیاسی حاکم است و واسطه بین دولت و مردم است. این نهادها ضامن نهادینه شدن آزادی و بسط مشارکت مردمی‌اند، که در مهار قدرت خودکامه نقش اساسی را ایفا می‌کنند» (خانیکی، ۱۳۷۸: ۴۳).

پ) چارچوب مفهومی

اگرچه در خصوص نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در توسعه جامعه مدنی مطالعات مستقلی صورت نگرفته است، اما بازبینی برخی دیدگاه‌های نظری و مطالعات پژوهشی نشان از این دارد که این رسانه‌های نوظهور نقش‌های مثبت و منفی برای جامعه مدنی دارند. کاستلز (۲۰۰۴، ۲۰۰۹) معتقد است که شبکه‌های اجتماعی ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را شکل می‌دهند، و ریخت ساختارانه جدیدی به آنها اعطا می‌کند و باعث ایجاد کنشگری جدید در عاملان اجتماعی می‌شود (Castells, ۲۰۰۴). با این نگاه می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی ساختار جدیدی از جامعه مدنی تحت عنوان جامعه مدنی شبکه‌ای ایجاد می‌کنند. از سوی دیگر ولمن و راینی معتقدند، شبکه‌های اجتماعی مجازی عاملیت اجتماعی را در حوزه ارتباطات از حالت عمودی به افقی تبدیل کرده‌اند و حتی باعث بهبود پیوندهای ضعیف در بین افراد و گروه‌های کوچک جامعه شده‌اند، به نحوی که آنها را به افراد و گروه‌های دیگر متصل و به گروه‌های بزرگ تبدیل کرده‌اند (Rainie & Wellman, ۲۰۱۲). این رسانه‌های جدید با امکانات شبکه‌سازی بالا، امکان تعامل و تقویت روابط اجتماعی را در حوزه‌های مختلف از جمله جامعه مدنی ایجاد می‌کنند، و باعث تقویت جامعه مدنی می‌شوند. در کنار این دیدگاه‌ها که یکی مبتنی بر ساختار و دیگری بر عاملیت است، ویرا و فرییرا (۲۰۱۷) محققان مؤسسه روابط بین‌الملل دانشگاه ساو پائولو برزیل معتقدند، این رسانه‌ها با ایفای نقش‌های جدید و جذاب می‌توانند باعث فعال‌سازی داوطلبان مدنی و ارتقاء وضعیت سازمان‌های مدنی شوند. آنان همانند یوربری و شهید (۲۰۱۷) معتقدند، شبکه‌های اجتماعی برای مشارکت مدنی و توسعه جامعه مدنی، نقش‌های بیشتری نسبت به رسانه‌های جمعی ایفاء می‌کنند. این شبکه‌ها، انگیزه‌های حضور کنشگران داوطلب در فعالیت‌های مدنی را افزایش می‌دهند، و نهادهای مدنی را در انجام فعالیت مدنی توانمندتر می‌سازند. وازاب (۲۰۱۲)

در مطالعه‌ای در خصوص نحوه استفاده سازمان‌های مدنی کرواسی از رسانه‌های جدید، و کیگو و کاوازاکی (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای در ژاپن به نقش‌های خبری و اطلاع‌رسانی، تبلیغی، آموزشی، جریان‌سازی و کمپین‌سازی شبکه‌های اجتماعی برای سازمان‌های مدنی اشاره دارند. در مقابل پیلی و ماهاراج (۲۰۱۳) ضمن تأکید بر چهار ظرفیت ارتباط آنلاین از طریق شبکه‌ها و نرم‌افزارها با شهروندان، استفاده برای انتشار بنرها، کتابچه و کتاب‌ها، گزارش‌های سازمان‌های مدنی در راستای کاهش هزینه، بسیج آنلاین به معنای «تلاش برای حرکت مردم به اقدام - به اعتراض، مداخله، حمایت و پشتیبانی» و همکاری و مشارکت به صورت آنلاین، بر نقش منفی این شبکه‌ها برای جامعه مدنی تأکید دارند. آنان معتقدند، شبکه‌ها باعث ایجاد و گسترش اخبار نادرست و شایعه در سازمان‌های مدنی و سرریزی اطلاعات می‌شوند. همچنین آنان به تبعیت از نوریس (۲۰۰۲) بر این اعتقادند که فعالیت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی باعث اتلاف وقت شهروندان، حضور کم‌رنگ در جامعه مدنی واقعی و کاهش مشارکت مدنی می‌شود. در مجموع همان‌طور که زینپ توفیکچی در کتاب «توئیتر و گاز اشک‌آور» بیان می‌کند، شبکه‌های اجتماعی برای جامعه مدنی دارای کارکرد و کژکارکردی و ظرفیت‌ها و چالش‌ها به صورت توأمان هستند (توفیکچی، ۲۰۱۷)، که این تحقیق به دنبال شناخت این کارکردها و کژکارکردها برای جامعه مدنی ایران است.

۳. روش شناسی

این پژوهش، از نوع آمیخته (کیفی و کمی) است که در دو مرحله انجام گرفت. مرحله نخست، برای کشف و شناسایی نقش مثبت و منفی شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه مدنی از روش مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته، و در مرحله دوم، برای بررسی وضعیت نقش‌های مثبت و منفی احصاء شده از مصاحبه بین فعالان مدنی از روش پیمایش، استفاده شده است. جامعه آماری برای مرحله نخست شامل صاحب‌نظران، متخصصان دانشگاهی و فعالان جامعه مدنی است، که حجم نمونه از طریق اشباع نظری و روش نمونه‌گیری آن، هدفمند^۱ با حداکثر تنوع^۲ استفاده شد. در مجموع در این مرحله با ۲۵ استاد دانشگاه در حوزه‌های مختلف، مسئولان و فعالان با سابقه زیاد در نهادهای مدنی و احزاب مصاحبه شد. جامعه آماری برای مرحله دوم شامل کلیه فعالان مدنی شهر تهران بود؛ با توجه به اینکه تعداد دقیق آن مشخص نبود و آمارهای مراکز مرتبط با این فعالان متعدد و در برخی موارد متناقض بوده است، برای

1. Purposive Samplin

2. Maximum Variation Sampling

تعیین حجم نمونه از قاعده نمونه گیری فادی^۱ (۱۹۸۸ نقل از بلیکی، ۱۳۸۹: ۲۷۳) به شرح زیر استفاده شده است:

$$n = \frac{pqz^2}{E^2}$$

در این معادله: n حجم نمونه آماری، P، ۵۰٪، q، ۵۰٪، Z، ۱/۹۶ و E ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. با توجه به فرمول فوق حجم نمونه آماری تحقیق ۳۸۴ نفر برآورد شد. شیوه گردآوری اطلاعات در مرحله نخست از طریق مصاحبه عمیق نیم ساختمند صورت گرفت. کمترین زمان مصاحبه ۱ ساعت و ۲۰ دقیقه، و بیشترین ۲ ساعت و ۱۵ دقیقه بود و در مجموع تقریباً ۳۸ ساعت مصاحبه شد. برای پردازش داده ها از روش تحلیل مضمون^۲ و برای روش کدگذاری استخراج مضامین نیز از تحلیل قالب مضامین کینگ (۱۹۹۸) استفاده شد. کدگذاری در سه سطح به کمک نرم افزار MAXQDA نسخه ۱۰ صورت گرفت. سطح نخست توصیفی بود که در آن متن مصاحبه خوانده شد، و پس از شناسایی مطالب جالب و مورد نظر کدگذاری شد، در این قسمت ۱۱۷ کد انتخاب شد. سطح دوم تفسیری بود که در این قسمت کدها ترسیم شد، توصیفی که معانی مشترک داشتند هم گروه شدند و بخش بندی فرعی اتفاق افتاد، که در قالب ۱۳ کارکرد و ۱۰ کژکارکردی تقسیم شدند و سطح سوم کد فراگیر ترسیم شد. برای روایی و پایایی، ضمن توجه به انتخاب نمونه صحیح و کارآمد، غنای اطلاعات به دست آمده از مصاحبه، تشخیص عوامل کلیدی و غیرکلیدی و قدرت تحلیل محقق، از روش ارزیابی لینکولن و گوبا^۳ و همچنین برخی راهبردهای اعتبار و اعتماد جان کرسول، به صورت ترکیبی استفاده شد.

۴. یافته های پژوهش

۴-۱. کارکردهای شبکه های اجتماعی مجازی برای جامعه مدنی

انتشار اخبار و اطلاع رسانی

یکی از اصلی ترین کارکردی که مصاحبه شونده ها به اتفاق بر روی آن تأکید داشتند، نقش انتشار اخبار و اطلاعات مربوط به جامعه مدنی، نهادهای مدنی و احزاب توسط شبکه های اجتماعی مجازی است. آنان معتقدند شبکه ها می توانند با انتشار اخبار و اطلاعات باعث

1. Foddy

2. Thematic Analysis

3. Lincoln & Guba

افزایش آگاهی شهروندان نسبت به جامعه مدنی و ظرفیت‌ها و چالش‌های آن در سطح کلان، انتشار اخبار مربوط به سازمان‌های مدنی برای علاقمندان حوزه در سطح میانه و اطلاع‌رسانی برای اعضای نهادها و داوطلبین در سطح خرد شوند. «شبکه‌ها با انتشار اخبار حول موضوعات جامعه مدنی می‌توانند این موضوعات رو در ذهن شهروندان برجسته کنند و اهمیت اون در جامعه افزایش دهند» (م^۱ استاد ارتباطات).

تقویت ارتباطات میان فردی

کارکرد دیگر شبکه‌های اجتماعی، کارکرد ارتباطی و تقویت ارتباطات میان فردی بین اعضای نهادها با یکدیگر، با داوطلبان و علاقمندان به فعالیت مدنی و گروه‌های هدف و مددجویان است. مصاحبه‌شوندگان معتقدند با توجه به اینکه پیوند قوی ارتباطات انسانی از الزامات اساسی جامعه مدنی و تمامی سازمان‌های مدنی و حزبی است، شبکه‌های مجازی می‌توانند به تقویت این گونه ارتباطات بپردازند، یا در صورت ضعف ارتباطی، آن را ترمیم کنند. آنها می‌توانند مکمل ارتباطات واقعی بین اعضای این جامعه باشند. «شبکه‌ها و ابزارهای مجازی نظیر فیسبوک، توئیتر، اینستاگرام و تلگرام به فعالان این امکان را می‌دهد تا به‌طور مستقیم با داوطلبان، فعالان مدنی و گروه‌های هدف ارتباط برقرار کنند و آنان را در جریان دیدگاه‌ها و برنامه‌های خود و نهادهای مدنی قرار دهند» (م^۱ استاد ارتباطات).

بسیج‌سازی

کارکرد دیگری که مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید داشتند بسیج‌سازی است. آنان معتقدند شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها ابزار مناسبی برای بسیج داوطلبان و فعالان مدنی، گروه‌های هدف یا حتی جامعه شهروندی هستند. «ما برای نخستین بار در قصه اعدام محیط‌بان دنیایی از قدرت بسیج‌سازی تلگرام و اینستاگرام استفاده کردیم به نحوی که تونستیم این‌قدر فعال مدنی و شهروند داوطلب جلو دادگاه و خونواده مقتول جمع کنیم که دادگستری مهلت دریافت رضایت از ولی دم یکساله کرد» (م^۱ فعال مدنی).

آموزشی

نقش آموزشی و تسهیل فرایند آموزش الزامات جامعه مدنی و نهادهای مدنی کارکرد بعدی است. مصاحبه‌شوندگان معتقدند، شناخت شرایط جدید و اقتضائات دنیای جدید به‌ویژه نقش عناصر سازنده شهروندان، نهادها و احزاب در جامعه مدنی، نیازمند آموزش است که در عصر حاضر با توجه به نگاه نه‌چندان مثبت حاکمیت و دولت به جامعه مدنی، نهادهای مدنی می‌توانند از طریق رسانه‌های جدید به این حوزه بپردازند. «حضور فعالانه و قدرتمند نهادهای

۱. مخفف مصاحبه است.

مدنی و مدنی سازی شهروندان در جامعه مدنی نیازمند آموزش است که یکی از راه های کم هزینه با بهره وری مناسب استفاده از این شبکه های مجازی و نرم افزارها برای آموزش است» (م جامعه شناس). به زعم مصاحبه شوندگان از طریق این شبکه ها امکان آموزش مجازی در تمامی سطوح کارکنان و داوطلبان، گروه های هدفی که خدمات دریافت می کنند و حتی شهروندان وجود دارد. به طوری که ضمن اینکه می توان به آموزش تخصصی در حیطه فعالیت نهادهای مدنی پرداخت، می توان به آموزش عمومی همانند: نحوه فعالیت مشارکتی، اعتمادسازی درون گروهی و بین گروهی، مهارت گفت و گو، ارتباط با دیگران و ... (حتی همه اینها) در سطح شهروندان جامعه نیز پرداخت. «در خصوص نقش آموزشی شبکه های اجتماعی، اونها میتونن فعالیت های نهادهای مدنی را هم به اعضا و داوطلبان سمنها آموزش دهن هم میتونن به افرادی که عضو نهادهای مدنی نیستن و هم به مردم جامعه آموزش مدنیت و گفتگو دهند» (م جامعه شناس).

تبلیغاتی

از دیگر کارکردهایی که مصاحبه شوندگان به ویژه فعالان مدنی و حزبی روی آن تأکید داشتند، تبلیغات از طریق شبکه های مجازی و نرم افزارهای پیام رسان است. «برای تبلیغات و آشنایی با نهادهای مدنی نیز می توان از این رسانه های استفاده کرد و این رسانه ها چون فراگیر هستند می توانند تبلیغات فراگیر داشته باشند» (م فعال حزبی). اما در خصوص دلایل توجه به این کارکرد، مصاحبه شوندگان معتقدند به دلیل هزینه اندک در مقایسه با بالا بودن هزینه تبلیغات در رسانه های رسمی، گستره جغرافیایی وسیع و تعداد بالای کاربران به ویژه در نرم افزار تلگرام، این فناوری ها ابزار مناسبی برای تبلیغات فراگیر برای احزاب و نهادهای مدنی و فعالیت آنها هستند.

شفاف سازی

اگرچه شفافیت از طریق کارکرد اطلاع رسانی و انتشار اخبار صورت می گیرد، اما با توجه به اهمیت شفافیت در آرکان مختلف جامعه مدنی، به ویژه در نهادهای مدنی و احزاب و تسهیلاتی که این شبکه ها و نرم افزارها برای شفاف سازی ایجاد می کنند، و تأکید مصاحبه شوندگان بر آن، نقش جداگانه ای برای آن در نظر گرفته شد. در این زمینه مصاحبه شوندگان معتقدند با توجه به اینکه لازمه فعالیت مدنی اعتماد دولت و مردم به آنان است و یکی از مهمترین شیوه کسب اعتماد، شفاف سازی عملکرد و فعالیت است، شبکه های اجتماعی و نرم افزارهای پیام رسان در این زمینه در سال های اخیر نقش مؤثری داشتند. «یکی از راه های جلب اعتماد عملکرد شفاف است. شفاف سازی به موقع توسط شبکه های اجتماعی نقش بسیار مؤثری در ارتقای

عملکرد و فعالیت نهادهای مدنی دارد» (م جامعه‌شناس/ فعال مدنی). همه فعالان مدنی که با آنان مصاحبه شد، اذعان داشتند این شفافیت در NGO های آنان از طریق ارائه اطلاعات در خصوص فعالیت، عملکرد، گزارش کمک‌های نقدی و غیرنقدی و نحوه هزینه‌کرد آنها به‌وسیله تلگرام صورت گرفته است، که نتایج آن در اعتماد بعدی به‌ویژه در کمک‌های مالی بسیار مؤثر بود. «الان سازمان ما از نظر جذب استراتژی منابع، سازمان موفقی است این به دلیل اعتمادسازی است که از طریق شفافیت مالی و عملکردی است که توسط فیسبوک در گذشته و تلگرام در چند سال اخیر به دست آوردیم» (م فعال مدنی).

جریان‌سازی

یافته‌های مصاحبه نشان می‌دهد، مصاحبه‌شوندگان بر نقش جریان‌سازی از طریق شبکه‌های مجازی تأکید دارند. آنان براساس تجربه خود بیان داشتند که شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌ویژه توئیتر به دلیل فضای روشنفکری و حضور افراد تحصیل‌کرده، صاحبان و کارگزاران رسانه، دولتمردان و سیاستمداران و فعالان حوزه‌های مختلف فضای مناسبی برای جریان‌سازی درخصوص یک مسئله ویژه است. «امروزه متخصصان، تأثیرات شبکه‌های اجتماعی در جریان‌سازی برای گسترش تقاضاها از دولت و تأثیرگذاری آن بر انتخاب مسئولان رسمی را بسیار قدرتمندتر از تأثیرات لابی‌های سیاسی می‌دوند. جریان‌سازی یکی از مهمترین کارکردهای شبکه‌های اجتماعی برای تغییر سیاست‌های مسئولان است» (م استاد علوم سیاسی/ فعال حزبی). همچنین تجربه آنان در زمینه فعالیت NGO نشان می‌دهد هر وقت نیاز به این داشتند که موضوعی در سطح کشور مطرح شود و بر عملکرد دولت یا نهادی تأثیر بگذارد، یکی از شیوه‌های آن جریان‌سازی از طریق توئیتر و تلگرام است. «ما خیلی وقتاً که احساس می‌کنیم فشارهای ما به دولت در زمینه مسائل آموزشی کارساز نیست به جریان‌سازی اون در توئیتر می‌پردازیم و چند روز بعد نتیجه هم می‌گیریم» (م فعال مدنی).

کمپین‌سازی

نتایج مصاحبه نشان می‌دهد کارکرد بعدی، نقش کمپین‌سازی شبکه‌ها و نرم‌افزارها در جامعه مدنی است. مصاحبه‌شوندگان معتقدند شبکه‌های مجازی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان می‌توانند با ایجاد کمپین‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف، شهروندان را با رفتارهای مدنی آشنا کنند و آنها را به رعایت آن پایبند کنند. «تلگرام، اینستاگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی نقش بسزایی در ایجاد و سازماندهی کمپین‌های مختلف دارند. فعالان و همفکران به‌واسطه این پلتفرم‌ها قادرن به راحتی اخبار و دیدگاه‌های خود را با یکدیگر به اشتراک و در جامعه تسری بدند. کمپین‌های مجازی مردم را با موضوعات مدنی آشنا می‌کند و توجه اونها رو جلب

می‌کنه و به انجام اون ترغیب می‌کنه» (م استاد علوم سیاسی/ فعال حزبی).

ایجاد و تقویت شبکه مدنی

یکی دیگر از کارکردهایی که مصاحبه‌شوندگان تأکید قوی بر آن داشته‌اند، شبکه‌سازی بین اعضا و نهادهای مدنی و تقویت شبکه‌های موجود است. آنان معتقدند با توجه به اینکه یکی از نیازهای اصلی نهادهای مدنی عصر حاضر ایجاد شبکه مدنی است، شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند ابزار مناسبی برای پیوند بین نهادهای عضو شبکه مدنی و شبکه‌سازی بین اعضا باشند. حتی آنها می‌توانند به تقویت شبکه‌های موجود نیز بپردازند و باعث تشکیل سازی مدنی شوند؛ به نوعی مکمل شبکه‌های مدنی در دنیای مجازی شوند. «دومین مورد که باید در بحث شبکه‌های اجتماعی توجه کنیم شبکه‌سازی افراد است، آنها می‌توانند باعث تقویت شبکه‌های واقعی بین نهادهای مدنی و شبکه‌مندی آنها شوند، حتی می‌توانند از طریق مشارکت اطلاعات و تجارب به شبکه‌سازی بین نهادهای مدنی همجنس کمک کنن» (م فعال مدنی).

سنجش افکار عمومی

یکی دیگر از نقش‌ها، امکان سنجش افکار عمومی از طریق بازخورد آنها به پیام‌ها در فضای مجازی است. مصاحبه‌شوندگان معتقدند با توجه به امکان بی‌واسطه بودن در فضای مجازی، دسترسی به اطلاعات، پاسخ کاربران و ذخیره‌سازی آنها می‌توان به سنجش افکار عمومی پرداخت. این سنجش می‌تواند در پی انتشار یک خط‌مشی مدنی یا حزبی به صورت هدفمند انجام شود، یا با حضور بین اعضا و کاربران بی‌واسطه با نظرات آنها آشنا شوند. به زعم آنان، بازخوردها می‌تواند منشأ شناخت افکار عمومی در فضای مجازی برای فعالان مدنی و حزبی باشد. «شبکه‌های اجتماعی نظیر فیسبوک، توئیتر و اینستاگرام به فعالان مدنی این اجازه را می‌دهد تا به سرعت بفهمند مردم چه پاسخی به دیدگاه‌های آنها دادند. نظرشان در مورد فعالیت و اقدامات مدنی‌شان چیست و اینکه افکار عمومی با آنها همسو است یا خیر» (م جامعه‌شناس/ فعال مدنی).

آگاهی بخشی در خصوص اصول جامعه مدنی

مصاحبه‌شوندگان با تأکید بر اینکه اساس شکل‌گیری و توسعه جامعه مدنی بر پایه خودآگاهی و آگاهی جمعی شهروندان، مسئولان و فعالان مدنی و حزبی از شرایط، اصول و اقتضائات جامعه مدنی است، در کنار نقش اطلاع‌رسانی، مجزا به نقش آگاهی‌بخشی اشاره دارند. به زعم آنان، تلگرام و اینستاگرام به دلیل ضریب نفوذ بالا بین کاربران ایرانی می‌تواند به خودآگاهی آنان در مورد موضوعات مبتلا به جامعه مدنی کمک کند. «جامعه مدنی نیازمند خودآگاهی شهروند است تا اینکه بتواند دست کم نقش خود را در راستای افزایش آن به‌ویژه

حقوق شهروندی، مسائل و موضوعات سیاسی و اجتماعی به خوبی ایفاء کند که شبکه‌های مجازی می‌توانند در این زمینه محمل بسیار مناسبی باشند» (م استاد علوم سیاسی). «مهمترین کارکرد شبکه‌های مجازی ایجاد خودآگاهی جمعی و آگاهی نسبت به جامعه مدنی است» (م اقتصاددان). شبکه‌ها علاوه بر اینکه باعث خودآگاهی شهروندان می‌شوند، باعث آگاهی مسئولان در خصوص مسائل پیرامون حیطه کاری آنها و نحوه برخورد با آن نیز می‌شوند. «از طریق شبکه‌ها این امکان به وجود می‌آید که مشکلات و مسائلی که در این زمینه وجود دارد به گوش ما مسئولان برسد و همین آگاه شدن از مشکلات باعث می‌شود اقدامات در این زمینه فزونی بگیرد. خیلی وقتاً ما نسبت به مسئله و راه حل اون در این فضا آگاه می‌شیم» (م مسئول دولتی). در ضمن فعالان و اعضای داوطلبان نیز از طریق این شبکه‌ها می‌توانند آگاهی خود را نسبت به مسائل روز پیرامون فعالیت مدنی خود، به روز و غنی کنند. آگاهی از وضعیت، راه حل و ارزیابی در این زمینه مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان بود.

نقش جایگزینی رسانه‌های رسمی

همچنین مصاحبه‌شوندگان معتقدند شبکه‌های اجتماعی مجازی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان تلفن همراه به جامعه مدنی از این طریق کمک می‌کنند که مباحثی را که در رسانه‌های رسمی به‌ویژه صداوسیما پخش نمی‌شود، مطرح می‌کنند. با توجه به اینکه در رسانه‌های رسمی کشور اخبار و اطلاعات و حتی آموزش در خصوص جامعه و نهاد مدنی و حتی احزاب برخی جناح‌ها به‌ندرت اتفاق می‌افتد، یا پوشش آنها منفی و ضد جامعه مدنی است، این شبکه‌ها جایگزین مناسبی برای نهادها و احزابی هستند که در رسانه‌های اصلی و بزرگ کشور مغفول هستند یا به حاشیه رانده شده‌اند. «ما از طریق شبکه‌ها به طرح موضوعاتی می‌پردازیم که صدا و سیما به دلیل حساسیت سیاسی خود یا به دلیل مشکل سیاسی با ما، اون اصلاً مورد توجه قرار نمیده» (م فعال مدنی). حتی برخی از مصاحبه‌شوندگان اعتقاد دارند، با توجه به اینکه در سال‌های اخیر حمله برخی نهادهای وابسته به حاکمیت در رسانه‌های وابسته به آنان، به نهادهای مدنی زیاد شده است، شبکه‌ها ابزاری برای پاسخ به شایعات آنان است. «چند مدتی که روزنامه ... و خبرگزاری ... ما رو از فرقه فراماسونی در ایران می‌دوختن ما چند بار تکذیب و جواب فرستادیم جوابی نگرفتیم بعد اومدیم در تلگرام و اینستاگرام شروع کردیم تصویر متن خبرشون گذاشتن و توضیح دادن و تأثیر خوبی بین حامیامون داشت» (م فعال مدنی).

تقویت قدرت اجتماعی نهادها و احزاب

از موارد دیگری که مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید داشتند، نقش قدرت اجتماعی نهادهای مدنی است. آنان معتقدند شبکه‌های مجازی با مطرح کردن نهادهای مدنی و حزبی در سطح

وسیع بین کاربران فراوان، قدرت اجتماعی این نهادهای جامعه مدنی را تقویت می کنند. حتی برخی از مصاحبه شوندگان معتقدند به دلیل اعطای منزلت اجتماعی که در این فضا صورت می گیرد، به خلق قدرت اجتماعی آنان نیز کمک می کنند. البته در مصاحبه های بعدی مصاحبه شوندگان دیگر، به تعدیل این ایده پرداختند و بیان داشتند که شبکه های اجتماعی به جای خلق بر تقویت قدرت اجتماعی مؤثرتر هستند. «پایه جامعه مدنی قدرت اجتماعی است. شبکه های مجازی در تقویت قدرت اجتماعی ما بسیار موفق عمل کردن. برای ترس از همین قدرت اجتماعی است که حاکمیت به فکر فیلترینگ افتاده است» (م فعال حزبی). برخی نیز معتقدند علاوه بر اعطای منزلت به نهادها و احزاب، شبکه های اجتماعی مجازی با طرح موضوعات مرتبط با دغدغه های مدنی، به آن موضوعات نیز منزلت اجتماعی داده و آنها را در بین مردم برجسته و مهم می کنند.

۴-۲. کژکارکردی شبکه های اجتماعی مجازی و نرم افزارهای پیام رسان تلفن همراه برای جامعه مدنی

شیوع اخبار نادرست و شایعه در خصوص جامعه مدنی و فعالان آن

در خصوص نقش منفی شبکه های اجتماعی مجازی برای جامعه مدنی، یافته های مصاحبه نشان می دهد که مصاحبه شوندگان بر انتشار اخبار نادرست درباره جامعه مدنی، نهادهای مدنی، احزاب و فعالان مدنی و حزبی تأکید دارند. آنان معتقدند شبکه های اجتماعی مجازی این فرصت را برای مخالفان جامعه مدنی ایجاد کرده است که با انتشار اخبار منفی، باعث ایجاد ذهنیت نادرست از آنها در ذهن افکار عمومی شوند. «برخی وقتا اخبار نادرست و منفی زیاد تلگرام و اینستاگرام در خصوص فعالان حزبی و مدنی باعث ایجاد ذهنیت منفی مردم به آنها می شود» (م استاد ارتباطات). برخی نیز ضمن تأکید بر این نقش منفی، به نقش شایعه سازی در شبکه ها پرداختند، و اذعان داشتند این رسانه های جدید امکان طرح شایعه در خصوص نهادهای مدنی و حزبی و فعالان مرتبط با آن را، در مقایسه با دوره قبل از حضور این رسانه ها در جامعه بسیار افزودند. «گاهی در خصوص انجمن ها و شبکه ها در فضای مجازی شایعه های متعددی طرح می شه. الان به خاطر تلگرام برد این شایعه سازی ها خیلی وسیعه» (م فعال مدنی).

همبستگی اجتماعی کاذب

نتایج مصاحبه نشان می دهد که مصاحبه شوندگان معتقدند جامعه مدنی، به ویژه فعالیت در نهادهای مدنی و حزبی نیازمند همبستگی اجتماعی است، که اساس این همبستگی ارتباطات انسانی رودررو است. شبکه های اجتماعی مجازی و نرم افزارهای پیام رسان اگرچه به صورت

مجازی بین اعضای گروه‌های تلگرامی یا فالوورها یا بین داوطلبان یک نهاد همبستگی ایجاد می‌کنند، اما این نوع از همبستگی نمی‌تواند پایه قوی و محکمی برای ساخت جامعه مدنی قدرتمند باشد. «از آنجا که در شبکه اجتماعی به دلیل مجازی بودن روابط انسانی همبستگی اجتماعی کم است آنها ابزاری مناسب برای ایجاد همبستگی اجتماعی در نهادهای مدنی نیستند» (م جامعه‌شناس). به زعم آنان، این همبستگی کاذب و مجازی احساس نادرستی از همبستگی واقعی به فعالان مدنی و مسئولان آن می‌دهد. به همین دلیل در زمان‌هایی که نیازمند همبستگی قوی هستند، این همبستگی برخلاف تصویری که از گروه‌های مجازی به دست آمده ضعیف و ناچیز است.

غلبه مشارکت مجازی بر مشارکت واقعی

در امتداد عارضه منفی بالا، برخی از مصاحبه‌شوندگان که بیشتر دانشجویان هستند، بر نقش منفی ایجاد مشارکت مجازی فعالان مدنی در فضای مجازی به جای مشارکت واقعی تأکید دارند. آنان معتقدند، یکی از پایه‌های جامعه و نهاد مدنی مشارکت شهروندان است. فضای مجازی به‌ویژه شبکه‌های مجازی و نرم‌افزارها باعث مشارکت مجازی شهروندان می‌شوند، و این حس بی‌نیازی آنان را برای حضور و مشارکت فعالانه در فضای واقعی اقل می‌کند، و باعث می‌شود در مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی واقعی حضور قوی نداشته باشند. از آن سوی، تصور نادرستی نیز به برنامه‌ریزان و مسئولان نهادهای مدنی و حزبی برای انجام فعالیت داوطلبانه می‌دهد. «به همین دلیل مشارکت در این فضاها نوعی رویکرد توهم‌آمیز برای نهادهای مدنی دارند. نهادهای مدنی نیازمند فراوانی اعضا سازماندهی و مشارکت واقعی هستند. شما در فضای مجازی مشارکت قوی می‌بینید، اما در فضای واقعی برای انجام کاری این مشارکت دیده نمی‌شود» (م جامعه‌شناس). برخی نیز عارضه این نقش منفی را کند شدن جریان مشارکت در جامعه و نهادهای مدنی می‌دانند. آنان معتقدند آنچه مشارکت اجتماعی را رونق می‌بخشد حضور اجتماعی فرد در بستر رویدادها و تأثیرپذیری از حضور واقعی افراد دیگر است؛ از آنجا که روح این حضور و تحرک اجتماعی در فضای شبکه وجود ندارد روند مشارکت سست و کند می‌شود.

دور شدن فعالان مدنی از فعالیت مدنی در دنیای واقعی

مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که یکی از کارکردهای منفی شبکه‌های مجازی، درگیر شدن فعال مدنی در آن و متعاقب آن دور شدن از فعالیت مدنی اصلی خود در نهادها و احزاب است؛ به نوعی که فعالیت مدنی مجازی جایگزین فعالیت مدنی واقعی برای فعالان و داوطلبان شده است. مدیران نهادهایی که با آنها مصاحبه شده است، از صرف وقت زیاد اعضای نهادها

و داوطلبان در فضای مجازی نگران هستند. آنان معتقدند در برخی موارد به میزانی که وقت آنها در این فضا سپری می شود از فعالیت مدنی واقعی خود دور می شوند. «یکی از چالش های ما با داوطلبان و حتی امروزه اعضا، صرف وقت زیادشون در گوشی و فضای مجازی هست به نحوی که برخی مواقع اجرای برنامه ها و فعالیت اونها رو به لحاظ زمانی دچار چالش می کنه» (م فعال مدنی).

سلبریتی سازی در جامعه مدنی

نقش منفی دیگر سلبریتی سازی و چهره سازی شبکه های اجتماعی مجازی از نهادهای مدنی کاذب و برخی فعالان مدنی و حزبی است، که در فضای واقعی در این حوزه ها جایگاهی ندارند، اما به مدد فناوری های جدید به عنوان یک چهره مدنی و حزبی در فضای مجازی شناخته شده اند. «خیلی از این آقایون که روزی سه وعده توئیت می کنن و می نویسن فعال حزبی حاضرم شهادت بدم حتی یک روز فعالیت حزبی نکرده و عضو هیچ حزب و نهادی نبوده، اما الان به مدد این رسانه ها شده چهره فعال و ایده هم می ده» (م استاد علوم سیاسی/ فعال حزبی). برخی از مصاحبه شوندهگان نیز از این وضعیت با عنوان کمک به نهادهای مدنی کاذب نام می برند، و معتقدند این شبکه ها به نهادهای مدنی کاذب که با هدف انتفاعی و کسب سود و رانت تشکیل شده اند و جایگاه مناسبی بین نهادهای مدنی ندارند، کمک می کند تا خود را در فضای مجازی مطرح و معروف کنند و از این طریق به سوءاستفاده می پردازند.

سرریزی اطلاعات

کارکرد منفی دیگری که مصاحبه شوندهگان بر آن تأکید داشتند، اطلاعات بسیار زیاد و متنوع در فضای مجازی برای فعالان مدنی است. آنان معتقدند که شبکه های اجتماعی مملو از اخبار و اطلاعات گوناگون در خصوص جامعه مدنی و فعالیت شهروندان است؛ که فعالان مدنی و علاقمندان به این حوزه توان سازماندهی و استفاده بهینه از آن را ندارند، و در طولانی مدت باعث سرخوردگی آنان می شود. همچنین آنان معتقدند وجود اخبار و اطلاعات بیش از اندازه، طرح مطالبات، کمپین ها و چالش های متعدد و فراوان در یک فرایند طولانی مدت، باعث بی تفاوتی و سستی فعال مدنی در خصوص اخبار و اطلاعات پیرامون جامعه مدنی و فعالیت مدنی می شود. «هجوم اخبار مربوط به مسائل مختلف جامعه مدنی و درخواست ها و مطالبات مدنی فراوان در شبکه ها باعث بی تفاوتی فعالین مدنی می شود» (م استاد ارتباطات).

حباب گفت و گو

با توجه به اینکه گفت و گو یکی از پایه های اساسی شکل گیری جامعه مدنی است، اما شبکه های اجتماعی مجازی با ایجاد گونه ای از حباب باعث می شوند شهروندان تنها با

افرادی گفت‌وگو کنند که هم‌سو و هم‌عقیده با آنها هستند. به تعبیر مصاحبه‌شوندگان، اصولاً شهروندان عضو گروه‌هایی می‌شوند که با اعضای آنها ویژگی مشترک دارند؛ متعاقب همین امر با اعضای همین گروه گفت‌وگو می‌کنند و باعث تقویت گفت‌وگوی درون‌گروهی می‌شوند و گفت‌وگوی بین‌گروهی را کم‌رنگ و تضعیف می‌کنند. «در تلگرام کاربران عضو گروهی می‌شن که هم‌فکر و یک‌جور هستند و با اعضای اون گفت‌وگو می‌کنند و اصولاً گفت‌وگو با اعضایی که مخالف افکار آن‌هاست صورت نمی‌گیرد. به نوعی گفت‌وگو بین گروهی ضعیفه. ما با این افراد یا گفت‌وگو نمی‌کنیم یا ترک می‌کنیم یا مواجه نمی‌شیم، ما با غیر هم‌فکرها سکوت می‌کنیم» (م استاد علوم سیاسی).

تخریب فضای خصوصی فعالان مدنی

ورود به حریم خصوصی فعالان مدنی و ایجاد چالش برای آنان، کژکارکرد بعدی است. مصاحبه‌شوندگان به عنوان تجربه زیسته مواردی را مطرح کردند که ورود برخی از افراد به حریم خصوصی فعالان در فضای مجازی، باعث ایجاد ذهنیت منفی فعالان درباره این رسانه‌های جدید، و عدم استفاده از ظرفیت‌های آن شده است. «خیلی تلاش کردم که اعضای شبکه یاری از این ظرفیت‌ها استفاده کنن اما برخی‌ها به‌خاطر تجربه‌ای که از هتک حرمت تو این فضا تا ورود به حریم اون‌ها و سوءاستفاده از عکس‌ها و متن‌های اونا داشتن دیگه اصلاً حاضر به استفاده از این ظرفیت غنی نیستن» (م فعال مدنی). از سوی دیگر برخی از فعالان مدنی و حزبی که در فضای مجازی فعالیت بسیار قوی و زیادی دارند، بر این مسئله تأکید داشتند که به دلیل بی‌مسئولیتی اجتماعی در فضای مجازی، برخی افراد که معارض و منتقد فعالیت مدنی و حزبی آنان هستند وارد حریم خصوصی طرفداران (فالوئر) می‌شوند، و در مورد اظهارنظر آنها واکنش‌های غیراخلاقی نشان می‌دهند.

ابزار خودنمایی و ارائه

یکی دیگر از نقش‌های منفی که مصاحبه‌شوندگان به‌ویژه فعالان مدنی و حزبی بر آن تأکید داشتند، خودنمایی فعالان در شبکه‌های مجازی و نرم‌افزارهاست. آنان معتقدند، این شبکه‌ها ابزار خودنمایی برخی فعالان برای کاربران و طرفدارانشان است. «به نظر گروه‌های تلگرامی و فضای اینستاگرام بیشتر به ابزاری برای اینکه برخی فعالان مدنی و حتی کاربران توی اون خودشون نشون بدن و نمایشی از خودشون داشته باشن. الان بعضی از فعالین قدیمی هم اسیر این نمایش شدن» (م فعال مدنی). حتی برخی معتقدند همین خودنمایی باعث تک‌گویی در فضای مجازی و تضعیف گفت‌وگو شده است؛ به نوعی که کاربر برای مطرح ساختن خود اجازه حضور و گفت‌وگو را در گروه‌های مجازی به دیگران نمی‌دهد.

حتی یکی از جامعه‌شناسان در مصاحبه خود بیان کرده است، که فعالان این شبکه‌ها به جای کنشگری خود را ارائه می‌کنند. «فضای مجازی در ایران محل ارائه و خودنمایی کاربران است و دغدغه کاربران دیده شدن به معنای نمایشی‌گی دیجیتال است. این عارضه حتی امروزه در برخی کنشگران مرزی نیز دیده می‌شود» (م جامعه‌شناس).

انبوه خلق مجازی

یکی دیگر از نقش‌های منفی که مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید داشتند، سلطه هیجان جمعی بر خرد جمعی در مواقع حساس یا رویدادهای ملی و منطقه‌ای یا حتی بحرانی است. آنان معتقدند همان‌طور که افراد در دنیای واقعی در زمان‌های خاص تحت تأثیر دیگران روحیه احساسی و رفتار جمعی از خود بروز می‌دهند - که به صورت انفرادی بروز نمی‌دهند - در فضای مجازی به‌ویژه در فضای تلگرام نیز همین‌طور است، و به نوعی انبوه خلق مجازی شکل می‌گیرد. «در مواقع حساس که ما نیازمند برخورد عقلانی در فضای واقعی و مجازی هستیم تلگرام باعث ایجاد روحیه هیجانی و برخی موارد خطرناک می‌شود. نمونه آن برخی اتفاقات دی ماه سال گذشته که توسط تلگرام دامن زده شد» (م استاد ارتباطات). یکی از مصاحبه‌شوندگان که در سال‌های اخیر روی فضای مجازی تحقیق وسیعی انجام داده است معتقد است، فضای مجازی در ایران فضای انبوه‌هاست. در این فضا، هیاهو بیشتر از منطق و هیجان بیشتر از خرد حکم‌فرمایی می‌کند، و از آنجا که جامعه مدنی نیازمند عقلانیت و خرد است این امر آسیبی برای آن محسوب می‌شود.

۴-۳. میزان استفاده فعالان مدنی شهر تهران از کارکردهای شبکه‌های اجتماعی در فعالیت

مدنی

با توجه به قسمت نخست بخش یافته‌ها، بر مبنای کارکردهایی که مصاحبه‌شوندگان برای شبکه‌ها در جامعه و نهاد مدنی در نظر گرفته‌اند؛ در این قسمت از فعالان مدنی شهر تهران پرسیده شده است که در نهاد مدنی‌ای که عضو آن هستند، از شبکه‌های اجتماعی مجازی در هریک از کارکردهای زیر چقدر استفاده می‌کنند؟

جدول ۱. میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای هریک از کارکردها در نهادهای مدنی

کارکردها	استفاده میانگین درصد	آینده پتانسیل درصد	حاضر درصد	تأ شدیدی درصد	زیر درصد	پیشانی زیر درصد
انتشار خبر و اطلاع‌رسانی	تعداد	۶	۲۰	۲۲	۴۸	۱۱۵
	درصد	۱/۶	۵/۵	۶	۱۲/۸	۲۹/۹
آموزش	تعداد	۷	۴۲	۴۱	۸۹	۳۳
	درصد	۱/۸	۱۰/۹	۱۰/۷	۲۳/۲	۸/۶
کمپین‌سازی	تعداد	۳۷	۵۵	۷۲	۸۵	۴۷
	درصد	۹/۶	۱۴/۳	۱۸/۸	۲۲/۱	۱۲/۲
تقویت ارتباط بین اعضای نهاد مدنی	تعداد	-	۱۳	۲۷	۵۰	۱۱۶
	درصد	-	۳/۴	۷	۱۳	۳۰/۲
جریان‌سازی	تعداد	۴۵	۶۳	۱۰۳	۷۴	۳۱
	درصد	۱۱/۷	۱۶/۴	۲۶/۸	۱۹/۳	۸/۱
سنجش افکار و بازخوردها	تعداد	۷۳	۷۴	۸۰	۷۲	۲۹
	درصد	۱۹	۱۹/۳	۲۰/۸	۱۸/۸	۷/۶
تبلیغات و معرفی	تعداد	۱۷	۳۸	۴۶	۷۰	۷۷
	درصد	۴/۴	۹/۹	۱۲	۱۸/۲	۲۰/۱
شفاف‌سازی	تعداد	۳۳	۸۲	۷۸	۷۳	۴۸
	درصد	۸/۶	۲۱/۴	۲۰/۳	۱۹	۱۲/۵
ایجاد و تقویت شبکه مدنی	تعداد	۷۳	۷۴	۸۰	۷۲	۲۹
	درصد	۱۹	۱۹/۳	۲۰/۸	۱۸/۸	۷/۶
آگاهی‌بخشی در مورد جامعه مدنی	تعداد	۳۴	۴۹	۸۱	۹۶	۳۲
	درصد	۸/۹	۱۲/۸	۲۱/۱	۲۵	۸/۳
بسیج‌سازی	تعداد	۱۷	۵۵	۸۳	۱۱۲	۳۴
	درصد	۴/۴	۱۴/۳	۲۱/۶	۲۹/۲	۸/۹
تقویت قدرت اجتماعی	تعداد	۲۱	۶۲	۱۰۵	۸۹	۳۴
	درصد	۵/۵	۱۶/۱	۲۷/۳	۲۳/۳	۸/۹
جایگزینی رسانه‌های رسمی	تعداد	۱۸	۵۲	۷۴	۱۰۴	۳۵
	درصد	۴/۷	۱۳/۵	۲۰/۱	۲۷/۱	۹/۱

با توجه به محدودیت تعداد کلمات و صفحات در مقالات علمی پژوهشی از توصیف هریک از نقش‌ها خودداری و برای نمونه یک مورد آن در ذیل آورده می‌شود).

میزان استفاده از شبکه‌ها برای نقش خبری: از بین ۳۸۴ فعال مدنی، ۱/۶ درصد (۶ نفر) اصلاً از شبکه‌ها و پیام‌رسان‌ها برای کار خبری استفاده نمی‌کنند، ۵/۵ درصد (۲۰ نفر) خیلی کم، ۶ درصد (۲۲ نفر) کم، ۱۲/۸ درصد (۴۸ نفر) تا حدودی، ۴۴/۳ درصد (۱۷۰ نفر) زیاد و ۲۹/۹ درصد (۱۱۵ نفر) خیلی زیاد استفاده می‌کنند. سه نفر هم (۰/۸ درصد) به این سؤال پاسخ ندادند. مد و میانه استفاده خبری از شبکه‌ها و پیام‌رسان‌ها گزینه زیاد است.

حال برای سنجش اینکه بین فعالان مدنی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های تلفن همراه برای کارکردهای مختلف تفاوت معناداری وجود دارد، و اینکه کدامیک از نقش‌ها بیشتر و کدام کمتر مورد استفاده آنان قرار می‌گیرد، از آزمون فریدمن استفاده می‌شود. آزمون فریدمن آزمون ناپارامتریک مناسبی برای سنجش تفاوت میانگین‌ها (معادل تحلیل واریانس در آزمون پارامتریک) و رتبه‌بندی نقش‌های فوق است.

جدول ۲. جدول شاخص میانگین کارکردها

کارکرد	خبری	آموزشی	کمپین سازی	ارتباطی	جریان سازی	سنجش افکار	تبلیغاتی
شاخص میانگین ^۱	۴/۹	۴/۲۳	۳/۷۶	۴/۹۶	۳/۳۳	۳/۱۲	۴/۵۶
کارکرد	شفافیت	شبکه سازی	آگاهی بخشی	بسیج سازی	قدرت اجتماعی	آلترناتیوی	
شاخص میانگین	۳/۵۴	۳/۱۳	۳/۶۱	۳/۸۹	۳/۶	۳/۷۴	

جدول ۳. آزمون فریدمن

ارزش کای اسکویئر	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
۸۸۷/۰۸۴	۱۲	۰۰۰	تأیید

همان‌طور که آزمون فریدمن در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، آزمون با ارزش کای اسکویئر (خی‌دو) ۸۸۷/۰۸۴ با درجه آزادی ۱۳ در سطح ۹۹ درصد اطمینان و یک درصد خطا معنادار است؛ یعنی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان تلفن همراه برای نقش‌های مختلفی که برای آن در نظر گرفته شده، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین فعالان مدنی بیشترین استفاده را از شبکه‌های اجتماعی در نقش ارتباطی و بعد آن خبری در حد زیاد و کمترین استفاده را برای سنجش افکار عمومی و شفاف‌سازی از طریق این رسانه‌ها در حد

۱. منظور میانگین حسابی بین ۱ تا ۶ در پیوستار اصلاً تا خیلی زیاد است.

کم اعلام کردند. در خصوص استفاده از این شبکه‌ها با توجه به نقش‌هایی که بررسی شده‌اند به ترتیب عبارت‌اند از: نقش ارتباطی (تقریباً زیاد)، خبری (تقریباً زیاد)، تبلیغی (بین زیاد و تاحدودی)، آموزشی (بین زیاد و تاحدودی)، بسیج‌سازی (تقریباً تاحدودی)، کمپین‌سازی (بین تاحدودی و کم)، جایگزینی رسانه رسمی (بین تاحدودی و کم)، تقویت قدرت اجتماعی نهادها (بین تاحدودی و کم)، شفاف‌سازی (بین تاحدودی و کم)، جریان‌سازی (بین تاحدودی و کم)، شبکه‌سازی (تقریباً کم) و سنجش افکار عمومی (تقریباً کم).

۴-۴. میزان تجربه فعالان مدنی شهر تهران از کژکارکردهای شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های تلفن همراه در فعالیت مدنی خود

با توجه به بخش دوم یافته‌های پژوهش، بر مبنای کژکارکردهایی که مصاحبه‌شوندگان برای شبکه‌ها در جامعه مدنی در نظر گرفته‌اند؛ در این قسمت از فعالان مدنی پرسیده شده است، در نهاد مدنی‌ای که عضو آن هستند یا فعالیت مدنی انجام می‌دهند به چه میزان هریک از موارد ذیل را در شبکه‌های اجتماعی تجربه کردند؟

جدول ۴. کژکارکردی استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای جامعه مدنی

کژکارکردها	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
انتشار اخبار منفی و شایعه	تعداد	۱۲	۶۰	۸۹	۱۸۸	۳۱
	درصد	-	۳/۱	۲۳/۲	۴۹	۸/۱
ورود و تخریب حریم خصوصی	تعداد	۳۹	۵۷	۹۷	۶۸	۱۱
	درصد	۱۰/۲	۱۴/۸	۲۵/۳	۱۷/۷	۲/۹
سلبیریتی‌سازی نهاد و فعال مدنی کاذب	تعداد	۴۶	۵۹	۶۵	۷۵	۴۵
	درصد	۱۱/۹	۱۵/۳	۱۶/۹	۱۹/۵	۱۱/۷
غلبه مشارکت مجازی بر مشارکت واقعی	تعداد	۲۶	۸۱	۱۱۳	۷۱	۱۰
	درصد	۶/۸	۲۱/۱	۲۹/۴	۱۸/۵	۲/۶
حباب‌گفت‌وگو	تعداد	۱۶	۵۰	۱۰۶	۷۵	۲۴
	درصد	۴	۱۳/۲	۲۷/۶	۱۹/۴	۶/۳
سرریزی اطلاعات	تعداد	-	۴۶	۷۶	۹۸	۳۹
	درصد	-	۱۱/۹	۱۹/۸	۲۵/۵	۳۱/۵

(با توجه به محدودیت تعداد کلمات و صفحات در مقالات علمی - پژوهشی از توصیف هریک از کژکارکردی‌ها خودداری و برای نمونه یک مورد از آن در ذیل آورده می‌شود).

کژکارکردی انتشار اخبار نادرست و شایعه: از بین ۳۸۴ فعال مدنی، ۳/۱ درصد (۱۲ نفر) تجربه انتشار اخبار نادرست و شایعه در حوزه جامعه و نهاد مدنی در فضای مجازی را بسیار کم، ۱۵/۶ درصد (۶۰ نفر) کم، ۲۳/۲ درصد (۸۹ نفر) تاحدودی، ۴۹ درصد (۱۸۸ نفر) زیاد و ۸/۱ درصد (۳۱ نفر) خیلی زیاد عنوان کردند. چهار نفر (۱ درصد) هم به این سؤال پاسخ ندادند. مد و میانه گزینه زیاد است.

حال برای سنجش تفاوت معناداری و رتبه بندی این کژکارکردی استفاده از شبکه های اجتماعی در بین فعالان مدنی از آزمون فریدمن استفاده می شود.

جدول ۵. جدول شاخص میانگین کژکارکردی

کژکارکرد	اخبار نادرست	تخریب حوزه خصوصی	سلبی سازی	مشارکت مجازی	حباب گفت و گو
شاخص میانگین	۴/۴	۳/۳	۳/۶	۵/۹۷	۳/۶۲
کژکارکرد	خودنمایی	سرریزی اطلاعات	انبوه خلق مجازی	دور شدن از فعالیت مدنی	همبستگی کاذب
شاخص میانگین	۳/۱	۴/۰۴	۳/۷۵	۳/۴۸	۳/۵۲

جدول ۶. آزمون فریدمن کژکارکردی شبکه ها و پیام رسان ها

ارزش کای اسکویر	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
۷۳۲/۶۴۹	۱۰	۰۰۰	تأیید

همان طور که آزمون فریدمن در جدول فوق نشان می دهد، آزمون با ارزش کای اسکویر (خی دو) ۷۳۲/۶۴۹ با درجه آزادی ۱۰ در سطح ۹۹ درصد اطمینان و یک درصد خطا معنادار است؛ یعنی بین میزان تجربه فعالان مدنی در خصوص کژکارکردی های مورد بررسی تفاوت معناداری وجود دارد، و میزان وجود این کژکارکردی های در بین فعالان مدنی متفاوت است. همچنین بیشترین کژکارکردی متعلق به وجود اخبار نادرست و شایعه مربوط به فعالان و نهادهای مدنی در رسانه های جدید و بعد از آن سرریزی اطلاعات و وجود اخبار و اطلاعات بسیار زیاد با اهمیت های گوناگون است و کمترین کژکارکردی مربوط به ارائه و خودنمایی فعالان و مسئولان نهادهای مدنی در رسانه های جدید و بعد از آن غلبه مشارکت مجازی بر مشارکت مدنی واقعی است. با توجه به میانگین ها می توان کژکارکردی ها را به ترتیب حضور قوی به ضعیف، بین فعالان مدنی به شرح ذیل مرتب کرد: اخبار نادرست و شایعه (بین

تاحدودی و زیاد)، سرریزی اطلاعات (در حد تا حدودی یا متوسط)، انبوه خلق مجازی و وجود روحیه هیجان‌ناک جمعی (بین کم تا حدودی)، حباب گفت‌وگو و ارتباط با افراد هم‌سنخ (بین کم تا حدودی)، سلبریتی‌سازی و سوءاستفاده فعالان و نهادهای مدنی کاذب و قلابی از این رسانه‌ها (بین کم و تا حدودی)، وجود همبستگی کاذب و غیرواقعی در فضای مجازی (بین کم و تا حدودی)، درگیری در فضای مجازی و دور شدن از فعالیت مدنی واقعی (بین کم و تا حدودی)، ورود و تخریب حریم خصوصی فعالان مدنی (بین کم و تا حدودی) و غلبه مشارکت مجازی بر مشارکت واقعی و ابزار ارائه و خودنمایی که هر دو در حد تقریباً کم بوده‌اند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که یوربری و شهید (۲۰۱۷) مطرح کرده‌اند، شبکه‌های اجتماعی برای مشارکت مدنی و توسعه جامعه مدنی نقش‌های بیشتری در مقایسه با رسانه‌های جمعی ایفاء می‌کنند؛ برخی نقش‌های خاص آنها باعث تحولات اساسی در مشارکت مدنی، جنبش‌های مدنی، تغییرات سازمانی نهادهای مدنی و حتی انگیزه‌های حضور کنشگران داوطلب در فعالیت‌های مدنی شده است؛ یافته‌های این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که شبکه‌ها و پیام‌رسان‌ها کارکردهای مختلفی برای تقویت و توسعه جامعه مدنی ایران دارند.



نمودار ۱. کارکردها و کزکارکردهای شبکه های اجتماعی و نرم افزارهای پیام رسان برای جامعه مدنی همان طور که ویرا و فریرا (۲۰۱۷) مطرح کرده اند، این رسانه ها با ایفای نقش های جدید و جذاب می توانند باعث فعال سازی داوطلبان مدنی و ارتقاء وضعیت سازمان های مدنی شوند. صاحب نظران ایرانی نیز قائل به نقش های متفاوت از نقش های کلیشه ای و سنتی برای شبکه های اجتماعی در ایران هستند. در این بین همان طور که بری ولمن و همکاران (۲۰۱۲) بیان داشتند که شبکه های اجتماعی در عصر حاضر علاوه بر کارکردهای رسانه های جمعی کارکردهای جدیدی را پذیرفته اند؛ این شبکه ها با ارائه اخبار و اطلاعات، آموزش، فرهنگ سازی، تبلیغات و بسیج سازی می توانند کارکردهای سنتی رسانه های جمعی را انجام داده، و در کنار آنها از توانمندی و ویژگی های این رسانه های جدید برای جریان سازی و کمپین سازی، شفاف سازی اقدام و عملکرد، تقویت قدرت اجتماعی نهاد های مدنی و حتی بازخوردسنجی استفاده کنند.

اما یافته ها نشان می دهد در استفاده از این کارکردها بین فعالان مدنی شهر تهران تفاوت هایی وجود دارد، و میزان استفاده از هر کدام از کارکردها به یک اندازه یا متناسب با

شرایط جامعه مدنی نیست. فعالان مدنی از این شبکه‌ها و پیام‌رسان‌ها برای نقش ارتباطی، خبری، تبلیغی و آموزشی در حد زیاد استفاده می‌کنند؛ از بسیج‌سازی، کمپین‌سازی، جایگزینی رسانه رسمی و نقش تقویت قدرت اجتماعی نهادها در حد متوسط استفاده می‌کنند و از شفاف‌سازی عملکرد و اقدامات مالی، جریان‌سازی، شبکه‌سازی و تقویت شبکه مدنی مجازی و سنجش افکار عمومی در حد کم استفاده می‌کنند. این مسئله بیانگر این است که فعالان از توانمندی این شبکه‌ها بیشتر برای کارکردهای سنتی و عمومی که رسانه‌های جمعی استفاده می‌کنند یا آنها از این رسانه‌ها آموختند، بیشتر بهره می‌برند، و در استفاده تخصصی از کارکردهای جدیدی که برای جامعه مدنی کارایی بیشتری دارند، ضعیف‌تر هستند؛ که این خود می‌تواند همانند پژوهش کیگو (۲۰۱۲) در ژاپن و وازاب (۲۰۱۲) در کرواسی به دلیل ضعف و ناتوانی استفاده تخصصی فعالان مدنی و فقدان آموزش حرفه‌ای آنان در استفاده از این شبکه‌ها باشد. آنان بیشتر به‌طور تجربی با کارکردهای خبری، آموزشی و تبلیغی آشنا هستند و متناسب با همان نیز در جامعه مدنی ایران از این رسانه‌های جدید استفاده می‌کنند. در صورتی که همان‌طور که امیرژانوف (۲۰۱۷) در مورد استفاده شبکه‌های اجتماعی در جامعه مدنی قزاقستان می‌گوید کشورهای هم‌چون ایران به دلیل ضعف ساختاری و درونی جامعه مدنی، بیشتر نیازمند ارائه گزارش‌های شفاف و شفافیت عملکرد برای جلب اعتماد عمومی، جریان‌سازی برای ایجاد مطالبات مدنی در سطح جامعه و تبدیل آن به مطالبه‌گری از دولت و از همه مهم‌تر ایجاد و تقویت شبکه مدنی مجازی (راینی و ولمن، ۲۰۱۲) هستند، که در این زمینه فعالان مدنی به شکلی ضعیف بررسی می‌شوند.

در مقابل همان‌طور که پیلی و ماهاراج (۲۰۱۳) در کنار نقش مثبت به نقش منفی شبکه‌های اجتماعی در جامعه مدنی اشاره می‌کنند، یافته‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد که صاحب‌نظران به وجود کژکارکردهایی برای این رسانه‌های جدید در جامعه مدنی ایران قائل هستند. در این زمینه صاحب‌نظران ایرانی بر کژکارکردی انتشار اخبار نادرست و شایعه در خصوص نهادها و فعالان مدنی، و وجود اطلاعات بی‌شمار و سرریزی اطلاعات در حوزه مدنی تأکید دارند. همچنین با توجه به اینکه نوریس (۲۰۱۲) و دیگر طرفداران بحث جایگزینی در بحث مشارکت و تأثیر سوء این رسانه‌های جدید بر مشارکت در دنیای واقعی اذعان دارند، خبرگان ایرانی نیز غلبه مشارکت مجازی بر مشارکت واقعی و دور شدن از فعالیت واقعی، غرق شدن در فعالیت مجازی و دور شدن از فعالیت مدنی، ایجاد همبستگی کاذب و حتی انبوه خلق مجازی را به عنوان کژکارکردی این رسانه‌ها برای جامعه مدنی ایران می‌دانند. همچنین همان‌طور که تحقیق امیرژانوف (۲۰۱۷) در قزاقستان نشان می‌دهد، شبکه‌های اجتماعی تهدیدی برای حریم خصوصی فعالان مدنی هستند؛ در این پژوهش نیز صاحب‌نظران بر تخریب فضای عمومی و تجاوز به حریم و فضای

خصوصی فعالان مدنی تأکید دارند. با توجه به اینکه پاپاچریسی (۲۰۱۱) قائل به گفت‌وگوی ناقص در فضای مجازی است؛ این پژوهش نشان می‌دهد که صاحب‌نظران و فعالان مدنی نیز بر حباب گفت‌وگو و وجود گفت‌وگوی درون‌گروهی و ناتوانی فعالان مدنی در برقراری گفت‌وگو با افراد بیرون از گروه خودشان تأکید دارند. همچنین آنان بر خودنمایی و ارائه خود و نمایش فعالان مدنی و سلبریتی‌سازی در این فضا نیز تأکید دارند، اما در بین فعالان مدنی استفاده و تجربه این کژکارکردی‌های کمی متفاوت است. فعالان مدنی شهر تهران قائل بر این هستند که بین آنان کژکارکردی اخبار نادرست و شایعه در حد زیاد؛ سرریزی اطلاعات، انبوه خلق مجازی و حباب گفت‌وگو و ناتوانی گفت‌وگو با افراد مخالف در حد متوسط؛ سلبریتی‌سازی و سوءاستفاده فعالان و نهادهای مدنی کاذب از این رسانه‌ها، وجود همبستگی کاذب در فضای مجازی، درگیری در فضای مجازی و دور شدن از فعالیت مدنی واقعی، ورود و تخریب حریم خصوصی فعالان مدنی و غلبه مشارکت مجازی بر مشارکت واقعی در حد کم؛ و ابزار برای ارائه و خودنمایی در حد تقریباً بسیار کم بوده‌اند. همین‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد بیشتر کژکارکردی‌ها بین فعالان مدنی در حد کم و ضعیف است، اما در خصوص دو کژکارکردی نخست که مربوط به کارکردی خبری است، با توجه به اینکه کارکرد خبری بین فعالان مدنی در اولویت استفاده از این رسانه‌ها قرار دارد، کژکارکردی آن نیز متناسب با آن است که دور از انتظار هم نیست. در خصوص گفت‌وگو نیز همان‌طور که خانیکی (۱۳۹۵) بیان داشت، گفت‌وگو در جامعه ایرانی مهمترین معضل فرهنگی است؛ این معضل بین فعالان مدنی به عنوان بخشی از جامعه ایران نیز دیده می‌شود، به نحوی که آنان در شبکه‌ها تنها با افراد هم‌فکر و هم‌عقیده خود گفت‌وگو می‌کنند و دچار یک حباب در این زمینه هستند. برخلاف نظریه جایگزینی نوریس، که قائل به این هستند که زندگی مجازی جایگزین زندگی واقعی کاربران می‌شود؛ یافته‌ها نشان داده است که فعالان مدنی در استفاده از این شبکه‌ها از مشارکت واقعی و فعالیت حضوری در نهادهای مدنی عقب‌نمانده‌اند و در کنار استفاده از ظرفیت‌های مجازی به فعالیت مدنی در دنیای واقعی نیز می‌پردازند. اگرچه تأکید برخی از اندیشمندان بر استفاده از شبکه‌ها در ارائه و بازنمایی خود کاربران و ارائه نمایش بوده است، اما در بین فعالان مدنی این امر بسیار کم دیده شده است و فعالان مدنی خوشبختانه هنوز دچار این عارضه نشده‌اند. در پایان بحث کژکارکردی باید به این نکته هم توجه داشت که اگرچه میزان استفاده منفی و نادرست از این شبکه‌ها در جامعه مدنی در مجموع در حد کم است، اما با توجه به افزایش روند استفاده از این شبکه‌ها و فقدان دوره آموزشی در این زمینه بین فعالان، احتمال رشد این کژکارکردی در آینده محتمل است که باید در مورد آن حساس بود.

منابع و مأخذ

- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹). طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- پلامناتز، جان (۱۳۷۱). شرح و نقدی بر فلسفه اجتماعی هگل، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- خانیک، هادی (۱۳۷۸). «سیر تحول جامعه مدنی در ایران»، مجموعه مقالات «نسبت دین و جامعه مدنی»، چاپ اول، تهران: انتشارات ذکر.
- خانیک، هادی (۱۳۸۱). «رسانه توسعه نیافته، جامعه توسعه نیافته»، روزنامه اعتماد، شماره ۳۲۱، مورخ ۲۳ مهر ماه.
- سیف‌اللهی، سیف‌اله و حسین عبداللهی (۱۳۸۹). «زمینه‌ها و موانع اجتماعی شکل‌گیری و گسترش جامعه مدنی در ایران از انقلاب مشروطه تا سال ۱۳۹۰ ه.ش.»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۴: ۱۲۰-۹۷.
- شارپ، جین؛ هلوی، رابرت (۱۳۸۶). جامعه مدنی مبارزه مدنی، ترجمه مهدی کلانترزاده، تهران: انتشارات نگاه.
- شیولدر، جیلیان (۱۳۷۹). «بنیادهای جامعه مدنی در خاورمیانه»، مجموعه مقالات چشم‌اندازهای جامعه مدنی در خاورمیانه، گردآورنده رسول افضل، تهران: علم و ادب.
- عطار، سعید (۱۳۸۸). «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت»، فصلنامه سیاست، شماره ۴: ۱۴۵-۱۲۵.
- Castells, Manuel (2004). *Informationalism, Networks, and the Network Society: A Theoretical Blueprint*, Text published in *The network society: a cross-cultural perspective*, Northampton, Edward Elgar.
- Castells, Manuel (2009). *Communication Power*, UK: Oxford University.
- Heidemann, Julia & et al (2012). *Online social networks: A survey of a global phenomenon*, *Computer Networks*, Volume 56, Issue 18, 17 December 2012, Pages 3866-3878.
- Kaigo, Muneo & Tkach-Kawasaki, Leslie (2012). *Social Media for Enhancing Civil Society and Disaster Relief: Facebook Usage by Local Municipalities in Japan*, *JeDEM V (7)(1): 1-22*.
- Kietzmann, J.H.; Hermkens, K.; McCarthy, I.P.; Silvestre, B.S. (2011). *Social Media? Get Serious! Understanding the Functional Building Blocks of Social Media*, *Business Horizons*, 54(1): 241-251.
- Kraut, R., et al. (2002). *Internet paradox, Revisited*, *Journal of Social Issues*, 58(1): 49-74.
<http://kraut.hciresearch.org/sites/kraut.hciresearch.org/files/articles/kraut98-InternetParadox.pdf>
- Mesch, GS. (2015). *New Media and Social Capital*, *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, (Second Edition), Pages 782-786.

- Norris, P. (2002). *Democratic Phoenix: Political Activism Worldwide*, New York: Cambridge University Press.
- Obar, Jonathan A.; Wildman, Steve (2015). *Social media definition and the governance challenge: An introduction to the special issue*, Telecommunications policy, 39 (9), Electronic copy available at:
<http://ssrn.com/abstract=2647377>
- Rainie, Lee & Wellman, Barry (2012). *Networked: The New Social Operating System*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Tufekci, Zeynep (2017). *Twitter and Tear Gas: The Power and Fragility of Networked Protest*, Yale University Press.
- Vieira, Vinicius Rodrigues and Gabriela Ferreira (2017). *Networking for Empowering: Social Media and Civil Society Organizations in the Global Arena of Power*, Paper presented at the IPSA Conference "Political Science in the Digital Age" Hannover.
- Vozab, Dina (2012). *Communication models of civil society organizations in Croatia*, *Observatorio (OBS*) Journal*, V (34): 345-379
- Yerbury, Hilary & Shahid, Ahmed (2017). *SOCIAL media activism in Maldives; information practices and civil society*, IR Information research, VOL. 22, NO. 1: 24-53.